

اهداف و مواضع پیک انترناسیونالیستی

با انتشار اولین شماره پیک انترناسیونالیستی، فصل جدیدی از نشر مواضع و مباحث کمونیستی در میان عناصر و محافل مبارز متعلق به جنبش کارگری ایران آغاز میگردد. جنبشی که پس از غلبه ضد انقلاب ایدئولوژیک بر چپ جهانی و اضمحلال اولین حزب کمونیستی ایران گسست تاریخی عمیقی ر در حیات خود تجربه کرده است. تاریخ چپ در ایران، روایتی است از این گسست تاریخی، تاریخ شکستهای سهمگین طبقه کارگر و تاریخ چپ دستگاه سیاسی سرمایه داری (استالینیسیم، مائوئسم و تروتسکیسم). جریانهایی که با شکست برآمد جهانی انقلاب پرولتری و غلبه ضدانقلاب بر حزب بلشویک روسیه عروج کردند.

وقوع این گسست تاریخی در حیات جنبش کارگری - انترناسیونالیستی، اما به معنای محو جریان کمونیستی از صحنه مبارزه طبقاتی نبود. درست به هنگام پدیدار گشتن اولین علائم انحطاط حزب بلشویک روسیه و بین الملل کمونیستی در فردای پیروزی انقلاب اکتبر طیف معینی از احزاب و گروههای کمونیستی با تشکیل جناح چپ بین الملل کمونیستی مبارزات خود را با انحرافات کمینترن و حزب بلشویک روسیه آغاز کردند. این مبارزات که با نقد جهت گیری ها و سیاست های غیر کمونیستی کمینترن حول مسئله ملی، اتحادیه های کارگری، پارلمانتاریسم و نقش حزب طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی آغاز شد به جدایی چپ هلند و آلمان از بین الملل کمونیستی درحال انحطاط منجر گردید.

باوجود ناتوانی فراکسیونهای هلند و آلمان جهت تداوم مبارزات خود، وظیفه سترگ و تاریخی دفاع از دستاوردهای انقلاب اکتبر و جمع بندی از درسهای شکست آن بوسیله فراکسیون ایتالیایی چپ کمونیست تداوم یافت. مبارزه چپ ایتالیا در بین الملل کمونیستی از طریق رد صریح پارلمانتاریسم و تاکتیک جبهه متحد ضدفاشیستی و همچنین مخالفت با ایجاد جبهه واحد با احزاب سوسیال دمکرات و پروسه بلشویکی کردن احزاب کمینترن آغاز شد. علیرغم سرکوب و پیگرد فاشیستها و استالینیستها این جریان خود را در سال ۱۹۲۸ تحت عنوان چپ کمونیست بین الملل (فراکسیون ایتالیایی) متشکل نموده و با انتشار نشریه بیلان به ارائه ترازنامه انقلاب روسیه و جمع بندی درسهای شکست انترناسیونال کمونیستی همت گماشت. درسهایی که مواضع کنونی کمونیست های انترناسیونالیست بر دستاوردهای آن استوار گشته است.

بدین ترتیب با استمرار تاریخی این حرکت در شرایط آندوره، چپ کمونیست بعنوان سنگر دفاع از مواضع انترناسیونالیستی پرولتاریا در مقابل امپریالیسم و چپ دستگاه سیاسی آن پابرجا ایستاد. تاریخ وقایع سیاسی در بیش از نیم قرن، صحت مواضع کمونیستهای انترناسیونالیست را به ثبوت میرساند. مواضعی که امکان تکامل مارکسیسم انقلابی را از طریق جمعبندی از درسهای مبارزات پرولتاریای جهانی بوسیله این جریانات ممکن گردانید. بر این مبنا مدتهاست که پروسه تشکیل حزب جهانی طبقه کارگر از طریق پروبلماتیک های نظری کمونیست های انترناسیونالیست آغاز گشته است.

پیک انترناسیونالیستی وظیفه خود را این قرار داده است تا با انعکاس مواضع و اندیشه های گرایشات متعدد چپ کمونیست در جنبش کارگری ایران، امکان دخالت مبارزین متعلق به این جزء از پرولتاریای جهانی را در این پروسه فراهم سازد. تلاش جهت معرفی و انعکاس نظرات و مواضع اساسی کمونیست های انترناسیونالیست در عین حال به معنای تلاش جهت جبران گسست تاریخی حیات جنبش کمونیستی انترناسیونالیستی در ایران وهمچنین به مشابه گامی جهت ارائه مبانی تئوریک - تاریخی مواضعی است که پیک انترناسیونالیستی از آن دفاع میکند. خطوط اصلی این مواضع را میتوان بدین ترتیب خلاصه نمود:

۱- سیستم سرمایه داری که مرحله رشد صعودی آن تا پایان سده نوزدهم بطول انجامید، با جنگ جهانی اول وارد دوره انحطاط خود گردید که با تغییراتی در کارکرد این سیستم (اشکال بروز بحران) و ساختار روبنایی آن توأم بود.

۲- روند ادغام ساختارهای اجتماعی و دولتی بمثابة نمودی از دوران انحطاط و مفری برای خروج این سیستم از بحران در بعد از جنگ جهانی اول آغاز شد این روند با قدرت گیری فاشیسم (در آلمان و ایتالیا) و استالینسم (در روسیه) اوج یافت و بصورت گرایش جهانشمول سرمایه به دولتی شدن (درمتروپل و پیرامون) در بعد از جنگ جهانی دوم تشدید گردید.

۳- جنگهای جهانی اول و دوم بمثابة تنها آلترناتیو برای خروج سرمایه داری از بحران های گذشته خود در مرحله زوال بود. تداوم بحران دهه هفتاد پس از جنگ جهانی دوم موجب اوجگیری جدال جناحهای امپریالیسم جهت دستیابی به بازارهای جدید بصورت جنگهای ملی و منطقه ای، فروپاشی جناح چپ طبقه حاکم و بالاخره تهاجم گسترده به سطح معیشت طبقه کارگر گشته است. سرنوشت جامعه بشری در شرایط کنونی درگرو سرنوشت طبقه کارگر بمثابة تنها نیروی انقلابی عصر حاضر و میزان آمادگی سازمانی آن در مقیاس جهانی است.

۴- اتحادیه های کارگری که در دوران رشد صعودی سرمایه داری، سازمانهای مبارزه طبقاتی بودند، در عصر حاضر تبدیل به ارگانهای کنترل و به انحراف کشاندن مبارزات کارگری توسط طبقه حاکم و جناحهای مختلف آن شده اند. در

دوران کنونی امکان بازپس گیری این تشکلهای توسط طبقه کارگر و یا اصلاح و تبدیل آنها به سازمانهای مستقل کارگری از میان رفته است .

۵- شرکت در نمایشات انتخاباتی و یا پارلمانی در عصر زوال و فروپاشی سرمایه داری تحت عناوینی چون "استفاده از تریبون بورژوازی" یا "انهدام انقلابی پارلمان از درون" نهایتاً به تقویت توهمات پارلمانتاریستی و سردرگمی طبقه انقلابی منجر میشود.

۶- کلیه جنبش های ملی عرصه ای از کشمکش جناحهای مختلف امپریالیسم بوده و حمایت و یا شرکت در درگیریهای ملی به معنای شرکت در جنگهای ارتجاعی و اقدامی ضد انقلابی میباشد.

۷- معضلات متعدد اجتماعی نظیر ستم های جنسی و نژادی جزئی از موجودیت نظام کنونی بوده و دائماً توسط آن بازتولید میگردد. ایجاد انجمنها و یا سازمانهای ویژه که پایه های واقعی این معضلات (سیستم سرمایه داری) را مورد هدف قرار نمیدهند نه تنها در خدمت حل این معضلات قرار نمیگیرد بلکه از طریق تقسیم طبقه کارگر به گروههای متفرق (جنسی و نژادی) موجب تضعیف مبارزه طبقاتی میگردد.

۸- انقلاب اکتبر روسیه با شکست انقلاب آلمان و انزوای حکومت شوراهای از یکسو و انحطاط حزب بلشویک از طریق تسلط استالینیسم و سرکوب اپوزیسیونهای چپ از سوی دیگر دچار شکست قطعی شد. پس از انحطاط حزب بلشویک و بین الملل کمونیستی، کلیه احزاب باصطلاح چپ و کمونیست در خدمت پروسه ادغام ساختارهای دولتی و اقتصادی قرار گرفته و تبدیل به چپ دستگاه سیاسی سرمایه داری شدند .

۹- کلیه دول باصطلاح سوسیالیستی تاکنونی (چین ، کره شمالی و آلبانی ، کوبا و . . .) که از طریق جنبش های ملی و توده ای شکل گرفتند، تجلی بحران و بربریت سرمایه داری و نهادهای ضدانقلابی بوده و میباشد.

۱۰- حزب طبقه کارگر در هیچ دورانی نمیتواند جانشین طبقه در مبارزه طبقات گردد. وظیفه حزب نه قبضه کردن قدرت سیاسی به نابت از طبقه کارگر بلکه دخالت سازمانیافته در جنبش کارگری در مقیاسی جهانی و تعمیم آگاهی طبقاتی و بالاخره دفاع از برنامه کمونیستی تا زمان محو طبقات است .

۱۱- شیوه تولید سرمایه داری در ایران که بعد از رفم ارضی تبدیل به شیوه مسلط تولیدی گشت، از همان بدو پیدایش خود بصورت سرمایه داری دولتی پدیدار شد و دولت مالک اصلی وسایل و منابع تولید سرمایه بود. این ساختار در بعد از شکست قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) و به حاکمیت رسیدن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تقویت شد و همانند دیگر نمونه های سرمایه داری دولتی در کشورهای پیرامونی (عراق - سوریه - الجزایر و . . .) تجلی بربریت سرمایه داری در عصر احتضار آن هستند.

۱۲- ناهمگونی ساختارهای اقتصادی اجتماعی ایران که بصورت ناکامل بودن ارگانها و عوامل تولید، همزیستی روابط

کهن در دل مناسبات سرمایه داری و وسعت صنایع کارگاهی و اقشار خرده بورژوازی تجلی یافته، یک مشخصه اساسی سرمایه داری پیرامونی است. این ویژگی نه تنها موجب جایگزینی انقلاب بورژوازی (دمکراتیک) با انقلاب سوسیالیستی نمیگردد، بلکه ضرورت حل تکالیف دمکراتیک بوسیله انقلاب پرولتری را در این دوران به ثبوت میرساند. لذا ارائه هرگونه برنامه سیاسی که منکر ضرورت انقلاب اجتماعی در ایران (بمشابه حلقه ای از انقلاب جهانی) گردد بلحاظ عینی دفاع از نظام بردگی مزدی است.

۱۳- پس از اولین حزب کمونیستی (برهبری سلطانزاده) در ایران، تاکنون هیچ جریان کمونیستی وجود نداشته است. کلیه احزاب و سازمانهایی که هم اکنون تحت عناوین کمونیست و کارگر فعالیت میکنند، چپ دستگاه سیاسی سرمایه داری و ضدانقلاب هستند.

پیک انترناسیونالیستی

تابستان ۱۳۷۵